

چالش های یک هویت مصنوعی

● رضا سجادیان

روزنامه نگار



AI به اختصار به معنای هوش مصنوعی است. سال گذشته، این واژه با تحولات بزرگ در زمینه فناوری های جدید، به ویژه در زمینه هوش مصنوعی مولد، مدل های زبان بزرگ، پردازش اطلاعات و تعاملات با فناوری های الکترونیکی، بیشتر شناخته شد. اصطلاح هوش مصنوعی به قدری گسترده است که اخیراً نه تنها به فناوری هایی مانند دیپ فیک که در حملات مهندسی اجتماعی به کار می رود بلکه به دستگاه های جدیدی مانند قهوه سازهایی که تنظیمات خود را بر اساس استفاده قبلی و شرایط محیطی بهینه می کند نیز ارتباط پیدا کرده است. به همین دلیل، هوش مصنوعی مفهومی بسیار وسیع و چندوجهی است و به نظر می رسد که نیاز به زمان و شاید تصویب قوانینی جدید باشد تا هیچانات و شایعات موجود به تعاریف دقیقی تبدیل شود که نتایج قابل اندازه گیری به همراه داشته باشد. از دیدگاه کاربر نهایی، هوش مصنوعی می تواند به هر چیزی تبدیل شود؛ از HAL ۹۰۰۰ در فیلم «۲۰۰۱: یک ادیسه فضایی» گرفته تا چت بات های ساده ای که برای دریافت پشتیبانی فنی یا مدیریت حساب کاربری با آنها تعامل کرده ایم. این موضوع پرسشی جالب را مطرح می کند: چه زمانی هوش مصنوعی به یک هویت مصنوعی تبدیل می شود؟

هویت را می توان به عنوان موجودیتی تعریف کرد که به یک فرد یا دستگاه تعلق دارد و می تواند با حساب های مختلف مرتبط شود. هر انسان یک هویت فیزیکی دارد اما ممکن است به هویت های دیجیتال مختلفی هم بر اساس سیستم هایی که با آنها تعامل دارد، نسبت داده شود. وقتی این مفهوم را به هوش مصنوعی تعمیم می دهیم، می توان فرض کرد که هر انسان نوعی هوش و یک هویت دارد. با این حال، برای یک ماشین، ارتباط بین هوش و هویت، ممکن است به راحتی قابل مشاهده نباشد، مگر این که ماشین ویژگی های انسانی را مانند KITT از شوالیه تاریکی یا WALL-E از پیکسار داشته باشد. این موضوع کمک می کند تا مشکل خود را به طور واضح تری تعریف کنیم. برای مثال، یک

قهوه ساز با هوش مصنوعی قطعاً هویت ندارد، حتی اگر از هوش مصنوعی برای انجام وظایف خود استفاده کند. یا یک چت بات ممکن است از هوش مصنوعی برای پاسخ به سوالات چالش برانگیز استفاده کند اما تعامل آن صرفاً متنی بوده و ممکن است هیچ حضور مجازی نداشته باشد که آن را به عنوان یک هویت بشناسیم. این پرسش ها شبیه به موضوعاتی است که نویسندگان علمی-تخیلی مانند آیزاک آسیموف و آثار کلاسیکی چون «پیشتازان فضا: نسل بعدی»، به آن پرداخته اند. سؤال اصلی این است که چه زمانی هوش مصنوعی به اندازه کافی پیچیده می شود تا ویژگی هایی داشته باشد که بتواند هویت انسانی و ماشینی را به طور برابر ارائه دهد؟

در حال حاضر، هنوز فاصله زیادی با تولید هویت های مصنوعی واقعی داریم که بتواند تمام ویژگی های انسانی را به طور الکترونیکی شبیه سازی کند. با این حال، شواهدی مانند حضور Watson در مسابقه Jeopardy! و ویدئوهای دیپ فیک مدرن نشان می دهد که می توان ترکیبی از راه حل های مختلف هوش مصنوعی ایجاد کرد که قادر به فریب افراد در کنفرانس های ویدئویی و شبیه سازی تعاملات انسانی باشد. به نظر می آید که این روند در آینده ای نه چندان دور به وقوع خواهد پیوست.

در آینده، کاربران نهایی شاهد خواهند بود که تهدیدکنندگان و نویسندگان خلاق از راه حل های هوش مصنوعی برای ایجاد هویت های مصنوعی ترکیب شده ای استفاده خواهند کرد که از محتوای اسکرپیت شده فراتر رفته و قابلیت های تعاملی خواهند داشت. این هویت ها بر اساس مواد آموزشی موجود در منابعی مانند ChatGPT طراحی می شوند. تا تعاملات انسانی را جعل کنند. علاوه بر این، با توجه به فقدان فناوری های دقیق برای ارزیابی صحت پاسخ ها و نبود قوانین لازم برای نظارت بر انتشار مالکیت معنوی از طریق هوش مصنوعی، کنترل هایی که بر روی خروجی های این سیستم ها وجود دارد، هنوز به طور کامل مشخص نیست.

در میانه دهه ۲۰۲۰، همه مایاها از پیشرفت های هوش مصنوعی آگاه باشیم. با وجود هیجان و شور و شوقی که در این زمینه دیده می شود، تنها زمان می تواند نشان دهد که چگونه تجمع و پیوند چندین فناوری هوش مصنوعی به هم می تواند آنها را به سیستم هایی تبدیل کند که شباهت بیشتری به انسان ها داشته باشد. زمانی که این اتفاق بیفتد، هوش مصنوعی به هویت های مصنوعی تبدیل خواهد شد و مایاها باید ابزارهای خود را برای مدیریت این هویت ها به روز کنیم تا بتوانیم به طور مؤثر ارتباطات الکترونیکی میان انسان ها و ماشین ها را در آینده مدیریت کنیم. این مسأله از مهارت هایی که در سیستم هایی مانند Amazon Echo مشاهده می کنیم، فراتر خواهد رفت و بیشتر به مفاهیمی مانند تأیید هویت چندعاملی، امنیت هویت و حتی مدیریت دسترسی های ویژه ای شبیه خواهد بود که امروزه انسان ها از آنها استفاده می کنند. در نهایت، ما باید این مفاهیم را به هویت های مصنوعی نیز تسری دهیم و این می تواند تا پایان این دهه به یک چالش واقعی تبدیل شود که نیازمند راه حل های فنی و قانونی است.



کاوش در گذشته

پاسخ به آنها خارج از دسترس به نظر می رسید. هوش مصنوعی تنها محدود به مطالعه دست نوشته های باستانی غربی نیست، بلکه در بسیاری از مجموعه های تاریخی دیگر نیز کاربردهای وسیعی پیدا کرده است. به عنوان مثال، پژوهشگران در کره جنوبی از شبکه های عصبی مبتنی بر مدل های ترنسفورم برای ترجمه سوابق گسترده و قدیمی دودمان جوسئون که به زبان هانجا نوشته شده اند، استفاده می کنند. این سیستم های هوشمند نه تنها فرآیند ترجمه را تسریع کرده اند، بلکه بینش های مهمی درباره روندهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره تاریخی به دست داده اند. این نوع پیشرفت ها می توانند به پژوهشگران کمک کنند تا نگاهی عمیق تر و دقیق تر به تاریخ و فرهنگ های گذشته داشته

هوش مصنوعی در حال ایجاد تحولاتی عظیم در مطالعه دست نوشته های باستانی است و متونی را که قرن ها برای بشر قابل خواندن نبوده اند، رمزگشایی می کند. این فناوری از رمزگشایی طومارهای سوخته رومی گرفته تا تحلیل الواح آسیب دیده میخی، ابزارهایی را برای کشف اطلاعات جدید از دنیای باستانی در اختیار پژوهشگران قرار می دهد. این پیشرفت ها به دانشمندان این امکان را می دهند که آرشوهای وسیع و پیچیده ای را بررسی کرده، نوشته های ناشناخته را شناسایی کرده و متونی را که در طول زمان گم شده یا آسیب دیده اند، با دقت بی سابقه ای بازسازی کنند. در نتیجه، دسترسی به داده ها بیشتر از هر زمان دیگری فراهم شده و این امر فرصت هایی را برای پاسخ به پرسش های تاریخی ایجاد می کند که پیش از این،

باشند. با تمام این دستاوردها، هنوز نگرانی هایی در خصوص دقت و دسترسی به اطلاعات وجود دارد. هوش مصنوعی امکان رمزگشایی سریع حجم های بالای متون را فراهم می آورد اما این سرعت ممکن است با چالش هایی در زمینه صحت و اعتبار اطلاعات همراه باشد. کارشناسان بر لزوم همکاری میان رشته ای، تبادل داده های باز و دسترسی عمومی به منابع تأکید دارند تا از شفافیت و قابلیت تکرار تحقیقات اطمینان حاصل شود. همچنین، موفقیت های اخیر در استفاده از هوش مصنوعی نشان می دهند که این فناوری نه تنها جایگزین پژوهشگران انسانی نیست، بلکه به عنوان یک ابزار مکمل برای دانشمندان عمل می کند تا داده هایی فراهم شود که دانشمندان بتوانند آنها را تفسیر و تحلیل کنند. با توجه به تکامل روزافزون هوش مصنوعی، پژوهشگران امیدوارند که در آینده، این فناوری قادر به رمزگشایی زبان های گمشده و کاوش در



کتابخانه های زیرزمینی شود، که این امر می تواند فهم ما از تمدن های باستانی را به طرز چشمگیری تغییر دهد. در این مسیر، علاوه بر رمزگشایی متون و زبان ها، ممکن است دنیای باستانی به گونه ای نو و پیچیده تر برای انسان ها آشکار شود که درک عمیق تری از تاریخ و پیشینه بشریت فراهم آورد.